

جامعه‌شناسی ۲

آموزش و تست
پُر از تست‌های دوست‌داشتنی

یازدهم

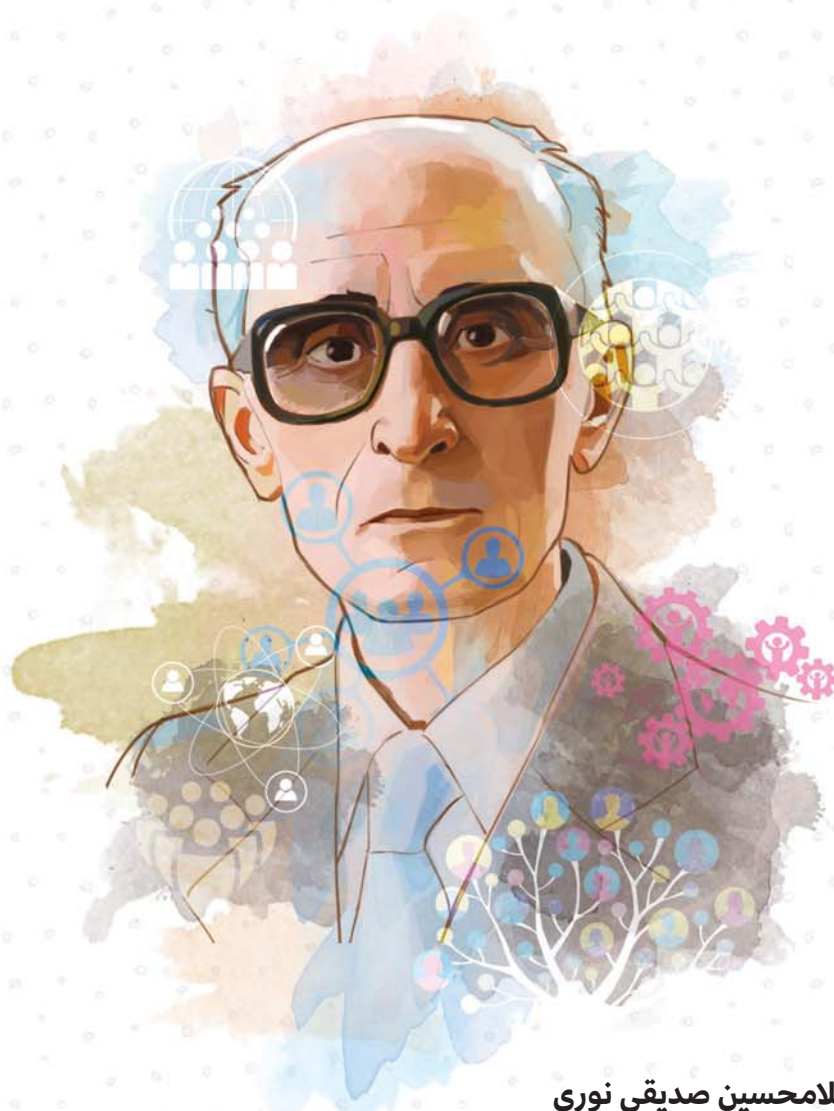
انسانی

♦ عفت حسینی

مدیر گروه علوم انسانی: سیدهادی هاشمی



مهروماه



تقدیم به غلامحسین صدیقی نوری

دکتر غلامحسین صدیقی نوری (متولد آذرماه ۱۲۸۴) را پدر علم جامعه‌شناسی ایران نامیده‌اند. او در سال ۱۳۱۶ با درج دکترا از دانشگاه پاریس فارغ‌التحصیل شد؛ بلافاصله به ایران بازگشت و با سمت دانشیار در دانشگاه تهران مشغول به کار گردید.

دکتر صدیقی جامعه‌شناسی را در ایران بنیان نهاد و واژه جامعه‌شناسی را برای این رشته برگزید. او در سال ۱۳۱۹ تدریس جامعه‌شناسی را با یک درس در دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی دانشگاه تهران آغاز کرد.

مهم‌ترین خدمت علمی و فرهنگی او تأسیس «مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی» در دانشگاه تهران (۱۳۲۷) بود که در سال ۱۳۵۱ به دانشکده علوم اجتماعی تبدیل شد.

او هم‌چنین از بنیان‌گذاران «کنگره هزاره ابوعلی‌سینا» (۱۳۳۰) بود.

دکتر صدیقی در دولت اول دکتر مصدق (۱۳۳۰) وزیر پست و تلگراف و تلفن و در دولت دوم (۱۳۳۱) وزیر کشور و نایب نخست‌وزیر بود.

او در سال ۱۳۴۸ «انجمن وضع و قبول اصطلاحات علوم اجتماعی» را پایه‌گذاری کرد و طی دو سال موفق شد برای بسیاری از واژه‌های علم جامعه‌شناسی معادل فارسی تعریف کند.

در سال ۱۳۵۲ به پاس زحمات وی در زمینه‌های آموزشی و پژوهشی و نقش بنیادین او در پایه‌گذاری علم جامعه‌شناسی در ایران، مقام «استادی ممتاز» از سوی دانشگاه تهران به ایشان اعطا شد.

علاقه دکتر صدیقی به ایران چنان عمیق بود که دعوت به تدریس در خارج از کشور را این‌گونه پاسخ داد: «ایران وطن من است و من به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنم، حتی اگر این امر به بهای جان من تمام شود، چون من هر چه دارم از این آب و خاک است.»

دکتر صدیقی در تاریخ دوشنبه ۹ اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۰ در ۸۶ سالگی پس از آن‌که زیر چادر اکسیژن فریاد برآورد: «پاینده باد ایران»، دار فانی را وداع گفت.

سخن نخست



بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم / فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم

«حضرت حافظ»

دانش‌آموزان عزیز! فرزندان دلبندم!

انتشارات مهروماه وارد مرحله جدیدی از فعالیت‌های آموزشی خود شده است. هم‌زمان با تحول اساسی در سیستم آموزش کشور و ایجاد تغییرات بنیادین در کتاب‌های درسی، جمعی از بهترین اساتید و مؤلفین توانمند کشور در «مهروماه» گرد هم آمده‌اند تا برای شما کتاب‌هایی را به رشته تحریر درآورند که از خواندن آن‌ها لذت برده و دوستشان داشته باشید. کتاب‌هایی که در شکوفایی توانمندی‌های شما عزیزان دلبندم، جداً اثرگذار باشند.

اساتید و مؤلفانی که در کتاب‌های جدید مهروماه (دهم، یازدهم و سال آینده، دوازدهم) دست به قلم شدند، علاوه بر برخورداری از تمام ویژگی‌های یک مؤلف آموزشی خوب مانند سواد علمی بالا، تجربه کافی در تدریس و تألیف و ...، یک ویژگی دیگر هم دارند؛ ویژگی که شاید محور زندگی اینجانب و رکن اساسی تمام فعالیت‌های آموزشی مهروماه را تشکیل می‌دهد: عشق به فرزندانمان. ما این مهر و عشق را با هیچ مبلغ و ثروتی عوض نمی‌کنیم، حتی اگر آن مبلغ در حد عدد آووگادرو باشد! فرزندان همچون ماه من!

برای این‌که کتاب‌های مهروماه در این دوره جدید، بیش‌ترین کارایی آموزشی را در جهت موفقیت شما داشته باشند، تدابیر فراوانی اندیشیدیم: شورای تألیف تشکیل دادیم، کارآمدترین مدیران آموزشی و مؤلفان برجسته را گرد هم آوردیم، کتاب‌ها براساس شیوه‌نامه‌هایی متکی بر چند دهه تجربه موفق نگاشته شدند، چندین لایه ویراستار (از دانشجویان فرهیخته و نابغه گرفته تا اساتید بنام کشور) به کار گرفتیم تا از غلط‌های علمی، محاسباتی، تایپی و... اثری باقی نماند. گروه‌های تولید و هنری مهروماه نیز با هدایت مستقیم مدیر فرزانه مهروماه، جناب احمد اختیاری، سنگ تمام گذاشتند تا کتاب‌هایی تولید شوند همچون ماه! کتاب‌هایی که برازنده نام وزین «مهروماه» اند. شاید مناسب باشد که تعدادی از مهم‌ترین انواع کتاب‌های کمک آموزشی مهروماه را برای شما معرفی کنم:

۱ کتاب‌های آموزش و کار: در این کتاب در مورد هر مبحثی که در مدرسه توسط دبیر محترم تدریس می‌شود یا خودتان از کتاب درسی مطالعه می‌کنید، ابتدا آموزش مختصر و مفید و البته کاملی از آن مبحث داده شده و سپس تمرین‌هایی ارائه شده که با حل آن‌ها می‌توانید تمام قسمت‌های تدریس شده یا مطالعه شده از کتاب درسی را، به خوبی فرا گرفته تا بر کتاب درسی با تمام جزئیات آن، مسلط شوید.



۲ کتاب‌های تست: در این کتاب‌ها، برای هر مبحث معین، ابتدا درس‌نامه‌ای مفید و جذاب و سپس تست‌های مربوط به آن مبحث ارائه شده است. درس‌نامه‌ها شامل مفاهیم و مطالب اصلی و بنیادی بوده و به نکات حاشیه‌ای که دور از موضوع محوری و اصلی‌اند، پرداخته نشده است. از طرفی، ضمن ارائه پاسخ تشریحی تست‌ها، برخی از نکات ویژه تستی در قالب «راهنما» آموزشی بسیار کاربردی و منحصربه‌فرد آورده شده است. همین‌طور، در برخی از کتاب‌های تست (مانند درس شیرین شیمی!) در کنار پاسخ تشریحی تعدادی از تست‌ها، ایستگاه‌های «شارژینگ» آمده است تا دانش‌آموزان در موضوعات مورد نظر، خیلی خوب شارژ شوند. با حل تست‌های این کتاب‌ها و مطالعه پاسخ‌های کاملاً تشریحی آن‌ها و نیز درس‌نامه‌ها، راهنماها و شارژینگ‌ها، موفقیت در آزمون‌ها و کنکور امری طبیعی و آسان خواهد بود.





۳ کتاب‌های آموزش فضایی: ویژگی اساسی این کتاب‌ها، ارائه آموزش کامل درس و مفاهیم و همین‌طور، پرسش‌هایی است که دانش‌آموزان با حل آن‌ها، در امتحانات مدرسه با قطعیت به نمره ۲۰ رسیده و از طرفی، پایه آموزشی لازم برای حمله به تست‌ها را پیدا خواهند کرد. ضمناً در این کتاب‌ها، ضمن ارائه درس در هر مبحث، پرسش‌های جالبی از طرف سه دانش‌آموز به ترتیب قوی، متوسط و نسبتاً ضعیف پرسیده می‌شوند که پاسخ به این پرسش‌ها، مکمل خوبی برای درس‌های ارائه شده است.



۴ کتاب‌های لقمه: ابعاد این کتاب‌ها، کوچک بوده و بنابراین می‌توانند همانند تلفن همراه، همه جا همراهتان باشند. اندازه و فرم این کتاب‌ها و نیز مطالب تألیف شده در آن‌ها به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که مطالعه این کتاب‌ها همه جا میسر است: در مترو و اتوبوس، توی هواپیما، توی رختخواب و حتی شاید زیر دوش حمام!



۵ کتاب‌های امتحانوفن: این کتاب برای هفته‌های آخر قبل از امتحان و شب امتحان طراحی و تألیف شده است. یکی از ویژگی‌های این کتاب، مجهز بودن آن به خلاصه درس‌های «کپسولی» منحصربه‌فرد است. در مجموع ده سری امتحان بازمبندی شده استاندارد با رعایت تمام ضوابط آموزش و پرورش در آن ارائه شده و علاوه بر پاسخ‌های لازم برای گرفتن نمره کامل، توضیحات اضافی جهت شيرفهم شدن دانش‌آموزان نیز در کنار پاسخ‌ها آمده است.

غير از پنج نوع کتاب مذکور انتشارات مهروما، کتاب‌های دیگری هم برای نظام جدید آموزشی منتشر خواهد کرد که هر کدام به جای خود، مفید و دوست داشتنی هستند! از جمله سری کتاب‌های معجزه کنکور، کتاب‌های آزمون، کتاب‌های جمع‌بندی و کتاب‌های جامع کنکور. اطلاعات لازم در مورد تک‌تک این کتاب‌ها را می‌توانید از طریق سایت مهروما به آدرس mehromah.ir به دست آورید.

با آرزوی توفیق روزافزون همه فرزندان میهنم

مدیر شورای تألیف

محمدحسین انوشه

مقدمه

«آینده از آن فرهیختگان است»

امروزه در جهان، علوم انسانی نقش تضمین کننده توسعه پایدار کشورها در تمام ابعاد را دارد. توسعه، یک پدیده اقتصادی - اجتماعی است و لازمه دست یافتن به آن ایجاد تغییرات در زیرساخت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه است که نتیجه این تغییرات رسیدن به اقتصادی سالم و رو به پیشرفت است. از این رو هرچه از پیشرفت علوم تجربی می‌گذرد نقش هدایتگر علوم انسانی در کاربرد صحیح این علوم پررنگ‌تر می‌شود.

راه رسیدن به اهداف عالی در جوامع گوناگون، تربیت و آموزش نخبگان علوم انسانی و سپردن هدایت جامعه به دست آنان است. چیزی که این روزها در کشور ما متأسفانه کمتر دیده می‌شود.

به همین جهت درصدد برآمدیم تا کتاب‌های علوم انسانی را با نگاهی تازه، کند و کاو کنیم و با استفاده از روش‌های نوین آموزشی، نوشتار را به سمت و سویی صحیح‌تر، جذاب‌تر و دل‌نشین‌تر ببریم و همچنین به دانش‌آموزان علوم انسانی یادآوری کنیم که قدم در راه بزرگی گذاشته‌اند و باید خود را باور داشته باشند و با تلاشی بی‌وقفه در راه تکامل جامعه خویش گام بردارند.

ویژگی‌های کتاب جامعه‌شناسی یازدهم

- ۱ هر درس طبقه‌بندی موضوعی شده است. درسنامه‌های هر فصل به بخش‌های کوچک‌تری تقسیم شده و برای هر بخش عنوانی تعریف شده تا ساختار پیچیده کتاب درسی، ساده‌تر شود.
- ۲ درسنامه‌ها به صورت نموداری هستند. تمام مفاهیم و جملات کتاب درسی، مثال‌ها و توضیحات در قالب نمودار دسته‌بندی شده‌اند تا یادگیری مطالب بسیار ساده‌تر شود.
- ۳ تصاویر کتاب درسی همراه مطلب مربوطه آورده شده و توضیح داده شده‌اند.
- ۴ سؤالات پرسیده شده در ابتدای هر درس، به‌طور مفصل بررسی و توضیح داده شده‌اند.
- ۵ پاسخ تمام فعالیت‌ها، تحقیق کنید، بیندیشید و را به‌طور کامل آورده‌ایم.
- ۶ بخوانیم و بدانیم‌ها را خلاصه شده، به صورت دسته‌بندی و نموداری آورده‌ایم تا مطالعه این مطالب که مهم نیز هستند راحت‌تر شود.
- ۷ زیرنویس‌های کتاب را در بین مطالب آورده‌ایم تا مبادا خدای نکرده چیزی از قلم بیفتد.
- ۸ در انتهای هر درس سؤالات امتحانی زیادی به صورت جای خالی، جورچین، کوتاه پاسخ و پاسخ کامل طرح شده‌اند.
- ۹ در بخش تست‌ها، دو نوع سؤال مفهومی و دانشی طرح شده‌اند. سؤالات کنکورهای سال‌های قبل که با این کتاب همخوانی دارند نیز در تست‌ها گنجانده شده‌اند. (تست‌های دانشی مبتنی بر متن کتاب هستند اما رویکرد تست‌های مفهومی، پرسش از برداشت دانش‌آموز از مطالب کتاب است. در سال‌های اخیر رویکرد کنکور این‌گونه بوده است.)
- ۱۰ پاسخ سؤالات امتحانی و تست‌ها به صورت کاملاً تشریحی در انتهای هر درس آورده شده است.
- ۱۱ کتاب یک بخش ضمیمه دارد شامل:

الف) نمودار جمع‌بندی درس‌ها که با یک نگاه بتوانید هر درس را دوره کنید.

ب) سه آزمون جامع به سبک کنکور تا با پاسخ به این سؤالات شاخ گول کنکور را از همین حالا بشکنید.

پ) واژه‌نامه که تمام واژه‌های مهم و غیر مهم کتاب را در بر می‌گیرد.

واژه‌هایی که در کتاب فقط به آن‌ها اشاره شده و تعریفی ندارند را در این بخش پیدا کرده و توضیح مربوط به آن را بخوانید تا مطلب را بهتر متوجه شوید. البته واژه‌هایی که در کتاب تعریف دارند را نیز آورده و گاه توضیحی کامل‌تر داده‌ایم تا این واژه‌نامه منبعی باشد برای مرور و آگاهی بیشتر.

راهنمای استفاده از کتاب

هدف اصلی رشته علوم انسانی، آموزش اندیشیدن است بنابراین روش مطالعه درس‌های این رشته باید در راستای همین هدف باشد. با این دید که دروس انسانی، حفظی هستند نه تنها دانش‌آموز نمی‌تواند به نتیجه دلخواه برسد که از هدف اصلی نیز دور می‌شود.

■ تا زمانی که مطلبی را به طور کامل درک نکرده‌اید از آن رد نشوید.

■ هر موضوع را ابتدا از روی کتاب درسی بخوانید سپس به کتاب مهروماه مراجعه کنید و با کمک درس‌نامه‌های نموداری، مطلب را یاد بگیرید.

■ اکنون تست‌ها را پاسخ دهید. اگر در جواب تستی دچار مشکل شدید حتماً دوباره به درس‌نامه برگردید و پاسخ را آن‌جا پیدا کنید.

■ تست‌های نکته‌دار را علامت بزنید تا در مراجعه بعدی، آن‌ها را مرور کنید.

■ پرسش‌های تشریحی را به سبک امتحان پاسخ دهید. یعنی جواب‌های خودتان را در برگه بنویسید و با پاسخ کتاب مقایسه کنید. حتماً به خودتان نمره دهید.

و اما قدردانی...

برای به ثمر رسیدن این کتاب افراد زیادی تلاش کردند. بر خود لازم می‌دانم تشکر کنم از:

■ جناب آقای احمد اختیاری مدیریت انتشارات که فرصت نگارش این کتاب را در اختیار من گذاشتند.

■ سرکار خانم الهه اسماعیلی مدیر تیم ویراستاری و ویراستاران دپارتمان علوم انسانی مهروماه، آقای حسام ازدری، خانم‌ها شکیبا خداداده، پرنیان علیجانی، سودابه یوسفی، پریسا نوری و یگانه هراتی که آن‌چه در این کتاب می‌بینید نتیجه مدیریت و کار خوب تیمی این عزیزان است.

■ جناب آقای محسن فرهادی مدیر هنری خلاق انتشارات و تیم هنری ایشان آقایان تایماز کاویانی، حسین شیرمحمدی، حسام طلایی، مهدی اجنی و سرکار خانم الهام اسلامی.

■ سرکار خانم سمیه جباری مدیر تولید توانمند انتشارات، آقای محسن قلی‌زاده که با دقت و حوصله به بهترین شکل ممکن صفحه آرایی کتاب را انجام دادند. آقای محسن کامران‌پور و سرکار خانم الناز رضوانی که زحمت حروف‌نگاری کتاب رو برعهده داشتند و آقای ساسان اسدی که با دقت و ظرافت شکل‌های کتاب را رسم کردند.

سخن آخر

جامعه‌شناسی، تنها یک علم نیست؛ هدایت جهان انسانی برعهده جامعه‌شناسان است. نتیجه تلاش امروز ما برای تربیت افراد متخصص و متعهد در این علم، رساندن ایران به جایگاه مطلوب بین‌المللی‌ها و فرهنگ‌های گوناگون در آینده است.

دوستدار شما

عفت حسینی

فهرست

فصل اول فرهنگ جهانی

۹

۱۰

۱۹

۲۷

۳۶

درس اول: جهان فرهنگی

درس دوم: فرهنگ جهانی

درس سوم: نمونه‌های فرهنگ جهانی ۱

درس چهارم: نمونه‌های فرهنگ جهانی ۲

۴۷

فصل دوم فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی

۴۸

۶۱

۷۵

۸۴

درس پنجم: باورها و ارزش‌های بنیادین فرهنگ غرب

درس ششم: چگونگی تکوین فرهنگ معاصر غرب

درس هفتم: جامعه جهانی

درس هشتم: تحولات نظام جهانی

۹۷

فصل سوم چالش‌های جهانی

۹۸

۱۰۸

۱۲۰

۱۳۰

درس نهم: جهان دو قطبی

درس دهم: جنگ‌ها و تقابل‌های جهانی

درس یازدهم: بحران‌های اقتصادی و زیست محیطی

درس دوازدهم: بحران‌های معرفتی و معنوی

۱۳۹

فصل چهارم بیداری اسلامی و جهان جدید

۱۴۰

۱۵۳

۱۶۸

درس سیزدهم: سرآغاز بیداری اسلامی

درس چهاردهم: انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطف بیداری اسلامی ۱۵۳

درس پانزدهم: افق بیداری اسلامی

۱۸۵

پیوست‌ها

۱۸۶

۱۹۳

۲۰۴

۲۰۸

جمع بندی

آزمون‌های جامع

پاسخنامه آزمون‌های جامع

واژه‌نامه

فرهنگ جهانی

انسان موجودی اجتماعی است و زندگی او در تعامل با دیگران شکل می‌گیرد. اگر انسان از خویشتن و جهان هستی شناخت درستی نداشته باشد، از تعامل صحیح با جهان هستی و شکوفایی استعدادهای خویش درمی‌ماند. بنابراین لازمه زندگی، شناخت جهان اجتماعی است. برای دستیابی به این اهداف، کتاب جامعه‌شناسی یازدهم در فصل اول به‌طور خلاصه به توضیح مفاهیم اساسی می‌پردازد و در فصل‌های بعدی آن را کامل‌تر می‌کند.

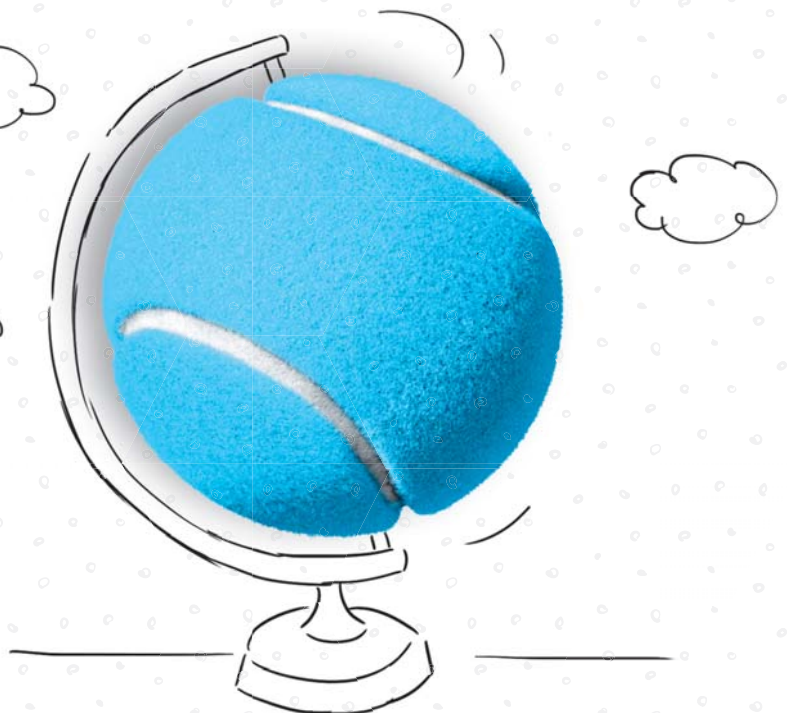
مفاهیمی که در این فصل به آن‌ها پرداخته شده است:

۱- انواع جهان‌ها، رابطه‌ها و تمایز جهان تکوینی، ذهنی و فرهنگی

۲- بحث درباره فرهنگ‌های جهانی

۳- ویژگی فرهنگ مطلوب جهانی که فارغ از قومیت‌گرایی و فرهنگ قبیله‌ای، در اسلام وجود دارد.

۴- پیدایش استعمار غرب که هم‌زمان با گسترش فرهنگ اسلامی، مانع اتحاد و همدلی مسلمانان شده است و با گسترش اندیشه بیداری اسلامی می‌توان در مقابل آن ایستادگی کرد.





جهان فرهنگی

درس یکم

هر فرهنگی در عمیق ترین لایه های خود به بنیادی ترین پرسش ها پاسخ می دهد.

پرسش های بنیادی یا روح و شالوده فرهنگ:

- هستی شناسانه: آیا جهان هستی به همین جهان محدود می شود؟
- انسان شناسانه: آیا انسان موجودی مختار و فعال است یا مجبور و منفعل؟
- معرفت شناسانه: آیا تنها راه شناخت، حس و تجربه است؟

جهان ها

وقتی به اطراف خود می نگریم با پدیده های بسیار متفاوتی روبه رو می شویم که در منظومه های بزرگ و مهمی دسته بندی می شوند. این منظومه ها را به دلیل اهمیت شان «جهان» می نامند.

جهان انسانی

جهان انسانی محصول زندگی انسان است و هر چه با اندیشه و عمل انسان پدید می آید، مربوط به این جهان است.

جهان انسانی

جهان فردی یا جهان ذهنی

- به زندگی شخصی و فردی انسان ها باز می گردد.
- ابعاد ذهنی، اخلاقی و روانی انسان ها به این بخش تعلق دارد.
- هر کدام از ما داشته ها، تجربیات و خلقیات ویژه ای داریم که افراد دیگر با ما در آن شریک نیستند.

جهان اجتماعی یا جهان فرهنگی

- زندگی اجتماعی انسان ها را دربر می گیرد.
- هویت فرهنگی دارد.
- فرهنگ، شیوه زندگی اجتماعی انسان ها را شکل می دهد.
- فرهنگ، محصول آگاهی و عمل مشترک انسان هاست.

ارتباط اجزای جهان انسانی

- بین دو بخش فرهنگی و ذهنی جهان انسانی، تناسب و هماهنگی وجود دارد.
- هر فرهنگی نوعی خاصی از عقاید و خصوصیات ذهنی را در افراد پدید می آورد و به همان نوع، اجازه بروز و ظهور می دهد.
- هر نوع عقیده و اخلاق نیز جویای فرهنگ متناسب با خود است.

جهان فرهنگی

جهان ذهنی

گفت و گو کنید:

درباره راه های ورود یک اندیشه فردی به حوزه فرهنگ گفت و گو کنید.

- پاسخ: راه های ورود اندیشه فردی به حوزه فرهنگ، رفتارهای اجتماعی است: ۱ رفتارها و ارتباطات روزمره ۲ ارائه اندیشه به شکل نوشتار و تصویر ۳ حضور در برنامه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ۴ مشارکت در انجمن های علمی، خیریه و برنامه های فرهنگی و هنری

جهان تکوینی

پیش از انسان و مستقل از خواست و اعتبار انسان وجود داشته است.

نظریات درباره جهان تکوینی

۱ برخی جهان تکوینی را به طبیعت محدود می‌کنند و در مقابل جهان انسانی قرار می‌دهند.

این گروه با تقسیم جهان انسانی به دو جهان ذهنی و فرهنگی از سه جهان سخن می‌گویند.

جهان طبیعت

جهان ذهن

جهان فرهنگ

۲ متفکران مسلمان جهان تکوینی را به دو بخش طبیعت و فوق طبیعت تقسیم می‌کنند.



ورود اندیشه فردی به حوزه فرهنگ یا جهان اجتماعی

جهان هستی

جهان انسانی

جهان تکوینی

اجتماعی (فرهنگی)

فردی (ذهنی)

فوق طبیعت

طبیعت

۱ هنگامی که اندیشه به صورت گفتار و نوشتار بیان می‌شود.

۲ فرد بر اساس اندیشه و تصمیم خود با دیگران رفتار می‌کند.

وقتی فردی درباره مسئله خاصی می‌اندیشد.

تعامل جهان‌های ذهنی، فرهنگی و تکوینی

بین جهان‌های مختلف رابطه و تعامل وجود دارد. بین جهان تکوینی و جهان انسانی نیز رابطه و پیوند برقرار است. در تعامل بین جهان تکوینی و جهان انسانی سه دیدگاه مهم شکل گرفته است:

دیدگاه اول

- جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود می‌کنند.
- جهان طبیعت را از جهان ذهنی و جهان فرهنگی مهم‌تر می‌دانند.
- در این دیدگاه ذهن افراد و فرهنگ، هویتی طبیعی و مادی دارند.
- علوم مربوط به آن‌ها نظیر علوم طبیعی است.
- این گروه تفاوتی بین علوم طبیعی و علوم انسانی قائل نیستند.
- نادیده گرفتن تفاوت علوم انسانی با علوم طبیعی، ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی را از علوم انسانی و اجتماعی سلب می‌کند.

بیشتر برانیر:

بنیان‌گذار این تفکر، آگوست کنت است که نگاه سکولار به جهان دارد.

دیدگاه دوم

- جهان فرهنگی را مهم‌تر از جهان ذهنی و تکوینی می‌دانند.
- این گروه جهان ذهنی و فردی افراد را تابع فرهنگ می‌دانند.
- جهان تکوینی را ماده خامی برای دخل و تصرف فرهنگ‌ها و جوامع مختلف می‌دانند.
- در این دیدگاه، جهان ذهنی و جهان تکوینی اهمیت و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می‌دهند.

دیدگاه سوم (دیدگاه قرآنی)

رویکرد کسانی است که جهان فرهنگی، جهان ذهنی و جهان تکوینی را مهم و در تعامل با یکدیگر می‌دانند.

در قرآن، جهان تکوینی محدود به جهان طبیعت نیست.

ادراک و آگاهی نیز به انسان منحصر نمی‌شود.

جهان تکوینی براساس حکمت و مشیت خداوند سبحان، رفتاری حکیمانه با افراد و جوامع انسانی دارد.

جامعه و فرهنگ، جایگاه ویژه‌ای دارند.

از زندگی و مرگ امت‌ها سخن گفته می‌شود.

جهان فردی اشخاص نادیده گرفته نمی‌شود.

بر مسئولیت فرد در قبال فرهنگ و جامعه تأکید می‌شود.



تعامل جهان ذهنی و اجتماعی در جامعه اسلامی

رابطه جهان تکوینی و جهان انسانی از منظر قرآن

- اگر [
 - ① انسان اخلاق الهی داشته باشد
 - ② جامعه از فرهنگ توحیدی برخوردار باشد
] جهان تکوینی درهای برکت خود را به روی انسان می‌گشاید.
- اگر افراد جامعه هویتی مشرکانه باشند
 - ① زمین و آسمان از تعامل سازنده با آنها باز می‌ماند.
 - ② ظرفیت‌های الهی و آسمانی خود را از آنها پنهان می‌کنند.

مثال: نتیجه تکوینی اعتقاد به حماسه حسینی، آثار و برکات جاری در جامعه است.

بخوانیم و بدانیم

برخی دیدگاه‌ها، مانع شناخت صحیح انسان از جهان هستی می‌شوند. اگر انسان از خویشتن و جهان هستی شناخت درستی نداشته باشد، از تعامل صحیح با جهان هستی و شکوفایی استعدادهای خویش باز می‌ماند.

قرآن کریم از باورها و اعمالی که مانع دستیابی انسان به حقیقت خویش و جهان هستی می‌شوند، به اغلال و سلاسل یاد می‌کند. اغلال و سلاسل، زنجیرهایی هستند که انسان را در دنیا و آخرت به بند می‌کشند.

بیندیشید

۱- وضعیت امروزی محیط زیست محصول چه عقایدی درباره انسان و طبیعت است؟

پاسخ: محصول نگاه دنیوی به طبیعت است. انسان به طبیعت به عنوان یک ماده بی‌جان برای تصرف و به خدمت گرفتن آن برای خود نگاه می‌کند و به همین دلیل هر نوع تصرف و بهره‌وری از طبیعت را مجاز می‌داند.

مثال: گرم شدن کره زمین نتیجه تکوینی نگاه دنیوی به طبیعت است.

۲- برخی آیات قرآن کریم مانند آیه ۴۱ سوره روم، آیه ۹۶ سوره اعراف و آیه ۲۷۶ سوره بقره از تعامل فعال جهان تکوینی با جهان اجتماعی و فرهنگی سخن می‌گویند. درباره این آیات تحقیق کنید.

پاسخ: آیه ۴۱ روم: به سبب اعمال مردم، فساد در خشکی و دریا آشکار شد تا [خداوند] به آنان جزای بعضی از کارهایشان را بچشانند، باشد که بازگردند. آیه ۹۶ اعراف: اگر مردم قریه‌ها ایمان آورده و پرهیزگاری پیشه کرده بودند برکات آسمان و زمین را به رویشان می‌گشودیم ولی پیامبران را به دروغگویی نسبت دادند ما نیز به کیفر کردارشان مؤاخذه‌شان کردیم.

آیه ۳۷۶ بقره: خداوند ربا را ناچیز می‌گرداند و صدقات را فزونی می‌دهد و هیچ کفران‌کننده گناهکاری را دوست ندارد.

جهان تکوینی	جهان انسانی	آیه
آشکار شدن فساد در دریا و خشکی	اعمال مردم	روم ، ۴۱
باز نکردن درهای برکت آسمان و زمین و مجازات شدن از طرف خدا	بی‌ایمانی مردم و دروغگو خواندن پیامبران	اعراف، ۹۶
ناچیز کردن ربا	رباخواری	بقره، ۳۷۶
افزایش مال	صدقه دادن	

سؤالات امتحانی



ردیف	سؤالات
۱	<p>درستی یا نادرستی عبارات زیر را تعیین کنید.</p> <p>الف) جهان انسانی به دو بخش فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود.</p> <p>ب) نزد متفکران مسلمان، جهان طبیعت مربوط به جهان تکوینی است و طبیعت را مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان فرهنگی می‌دانند.</p> <p>پ) هرگاه افراد و فرهنگ جامعه، هویتی مشترکانه داشته باشند زمین و آسمان از تعامل سازنده با آنان بازمی‌ماند.</p>
۲	<p>جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.</p> <p>الف) وقتی فردی دربارهٔ مسئله‌ای خاص می‌اندیشد در محدودهٔ و خود به سر می‌برد.</p> <p>ب) در نگاه قرآنی، جهان تکوینی محدود به نیست و ادراک و آگاهی نیز به منحصر نمی‌شود.</p> <p>پ) برخی جهان تکوینی را به طبیعت محدود می‌کنند و طبیعت را در مقابل قرار می‌دهند.</p>
۳	<p>به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید.</p> <p>الف) بخش فردی انسان کدام ابعاد را در بر می‌گیرد؟</p> <p>ب) فرهنگ، محصول چیست؟</p> <p>پ) از بخش فردی جهان انسانی و از بخش اجتماعی آن به چه نام‌هایی یاد می‌شود؟</p> <p>ت) متفکران مسلمان، جهان تکوینی را به چند بخش تقسیم می‌کنند؟</p> <p>ث) از نظر دیدگاه اول، ذهن افراد و فرهنگ چه هویتی دارند؟</p> <p>ج) کدام گروه بین علوم طبیعی و علوم انسانی تفاوتی قائل نیستند؟</p> <p>چ) از نظر دیدگاه دوم کدام جهان مهم‌تر است؟</p> <p>ح) در نگاه قرآن، جهان هستی چه برخوردی با جهان انسانی دارد؟</p> <p>خ) در چه صورتی زمین و آسمان از تعامل سازنده با انسان بازمی‌ماند؟</p>
۴	<p>به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.</p> <p>الف) فرهنگ را تعریف کنید.</p> <p>ب) گروهی که جهان تکوینی را به طبیعت محدود می‌کنند، از چند جهان سخن می‌گویند؟</p> <p>پ) متفکران مسلمان چه نگاهی به جهان تکوینی دارند؟</p> <p>ت) انسان چگونه به محدودهٔ اجتماعی و فرهنگی وارد می‌شود؟</p> <p>ث) ارتباط بین جهان ذهنی و فرهنگی را توضیح دهید.</p> <p>ج) ویژگی‌های دیدگاه اول را نسبت به جهان تکوینی توضیح دهید.</p> <p>چ) سه ویژگی دیدگاه دوم را نسبت به جهان تکوینی توضیح دهید.</p> <p>ح) در نگاه قرآنی، جهان تکوینی چه ویژگی‌هایی دارد؟</p> <p>خ) قرآن کریم چگونه بر مسئولیت فرد در قبال فرهنگ تأکید می‌کند؟</p> <p>د) در چه صورتی از نظر قرآن جهان تکوینی درهای برکات خود را می‌گشاید؟</p> <p>ذ) در چه صورتی از نظر قرآن جهان تکوینی از تعامل سازنده بازمی‌ماند؟</p>

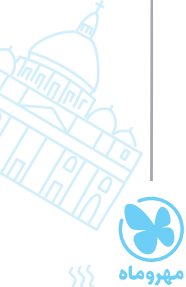
پرسش‌های چهارگزینه‌ای



- در تعریف جهان انسانی، کدام گزینه نادرست است و ابعاد اخلاقی، ذهنی و شیوه زندگی انسان‌ها به ترتیب به کدام جهان مربوط است؟
 - جهان انسانی محصول زندگی شخصی و اجتماعی انسان است. - جهان اجتماعی - جهان ذهنی
 - جهان انسانی مستقل از خواست و اراده انسان شکل می‌گیرد. - جهان ذهنی - جهان اجتماعی
 - جهان انسانی با اندیشه و عمل انسان پدید می‌آید. - جهان فرهنگی - جهان فردی
 - بخشی از جهان هستی را جهان انسانی تشکیل می‌دهد. - جهان اجتماعی - جهان فردی
- ابعاد ذهنی و اخلاقی شامل جهان و بخش است. هنجارها و ارزش‌ها شامل بخش جهان می‌باشد.
 - عینی - اجتماعی - انسانی - فردی
 - عینی - فردی - انسانی - اجتماعی
 - انسانی - فردی - اجتماعی - انسانی
 - انسانی - اجتماعی - انسانی - فردی
- وقتی اندیشه خود را به صورت گفتار بیان می‌کنیم و وقتی فردی در مسئله‌ای خاص می‌اندیشد، به ترتیب بیانگر چه جهانی است؟
 - جهان اجتماعی - جهان ذهنی
 - جهان ذهنی - جهان اجتماعی
 - زندگی فردی - جهان فرهنگی
 - جهان فرهنگی - جهان ذهنی
- وقتی انسانی براساس اندیشه و تصمیم خود با دیگران رفتار می‌کند وارد محدوده می‌شود و وقتی فردی درباره مسئله خاصی می‌اندیشد، وارد محدوده می‌شود.
 - فردی و فرهنگی - اجتماعی و ذهنی
 - اجتماعی و ذهنی - فردی و فرهنگی
 - اجتماعی و ذهنی - فردی و فرهنگی
 - فردی و فرهنگی - اجتماعی و ذهنی
- در ارتباط با این جمله کدام گزینه درست است؟ «هر فرهنگی اجازه بروز و ظهور برخی عقاید را می‌دهد.»
 - بین دو بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی تناسبی وجود ندارد.
 - ارتباط بین بخش ذهنی و فرهنگی، فقط در محدوده برخی فرهنگ‌ها وجود دارد.
 - همیشه بین بخش ذهنی و فرهنگی تضاد وجود دارد.
 - بین دو بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی، تناسب و هماهنگی وجود دارد.
- از نظر متفکران مسلمان، جهان تکوینی به جهان محدود نمی‌شود و در دیدگاه اول، ذهن افراد و فرهنگ، هویتی و دارند و در دیدگاه دوم، جهان را مهم‌تر از جهان و می‌دانند.
 - طبیعت - طبیعی و مادی - جهان فرهنگی - جهان ذهنی و تکوینی
 - مافوق طبیعی - ذهنی و فرهنگی - طبیعت - جهان فردی و اجتماعی
 - انسانی - طبیعی و مادی - ذهنی - جهان فرهنگی و تکوینی
 - انسانی - ذهنی و فرهنگی - طبیعت - جهان فردی و اجتماعی
- شکل روبه‌رو به کدام گزینه نزدیک‌تر است؟
 - هر فرهنگی نوعی خاص از عقاید را در اجتماع شکل می‌دهد.
 - نقش جهان ذهنی در پدیدآیی جهان فرهنگی بیش‌تر است.
 - هر نوع عقیده و اخلاقی، جویای فرهنگ متناسب با خود است.
 - نقش جهان فرهنگی در تربیت ذهنی افراد کم‌تر است.
- از بخش فردی جهان انسانی با عنوان سخن گفته می‌شود و را در برمی‌گیرد.
 - جهان ذهنی - شیوه زندگی اجتماعی انسان‌ها
 - جهان فرهنگی - هویت فرهنگی و اجتماعی انسان‌ها
 - جهان ذهنی - اخلاق و روان انسان‌ها
 - جهان فرهنگی - آگاهی و عمل مشترک انسان‌ها
- کدام جمله در مورد جهان تکوینی درست است؟
 - این جهان هم زمان با جهان انسانی شکل گرفته است.
 - این جهان پیش از انسان و مستقل از خواست اراده انسان وجود داشته است.
 - این جهان پس از شکل‌گیری زندگی اجتماعی به‌وجود آمده است.
 - این جهان، نتیجه آگاهی و عمل مشترک انسان‌ها است.

جهان فرهنگی

جهان ذهنی



۱۰. هر چه با اندیشه و عمل انسان پدید آید مربوط به است. جهان فرهنگی در برابر قرار داده می‌شود و هر فرد براساس مسائل روزمره زندگی خود را تفسیر می‌کند. جهان پیش از انسان وجود داشته است. (خارج کشور ۹۳ - با تغییر)

- ۱) جهان انسانی - جهان تکوینی - هنجارها و رفتارهای خود - ذهنی
- ۲) جهان اجتماعی - جهان انسانی - عقاید و ارزش‌های خود - ذهنی
- ۳) جهان فرهنگی - جهان ذهنی - خصوصیات ذهنی فرد - تکوینی
- ۴) جهان انسانی - جهان ذهنی - عقاید و ارزش‌های خود - تکوینی

۱۱. در نگاه کسانی که جهان تکوینی را به طبیعت محدود می‌کنند به ترتیب چه جهان‌هایی وجود دارد؟

- ۱) جهان طبیعت - جهان ذهن - جهان فرهنگ
- ۲) جهان ذهن - جهان طبیعت - جهان فرهنگ
- ۳) جهان فرهنگ - جهان طبیعت - جهان ذهن
- ۴) جهان طبیعت - جهان فرهنگ - جهان ذهن

۱۲. نگاه مسلمانان به جهان تکوینی در کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) نزد آنان جهان طبیعت، بخشی از جهان تکوینی است.
- ۲) جهان تکوینی را به طبیعت و فوق طبیعت تقسیم می‌کنند.
- ۳) جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود نمی‌دانند.
- ۴) جهان تکوینی را فقط به جهان فوق طبیعت تقسیم می‌کنند.

۱۳. از نظر متفکرانی که جهان تکوینی را به طبیعت محدود می‌کنند، کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) ذهن افراد و فرهنگ نیز هویتی طبیعی و مادی دارند.
- ۲) جهان طبیعت را مهم‌تر از جهان ذهنی و فرهنگی می‌دانند.
- ۳) علوم مرتبط با ذهن و فرهنگ نیز نظیر علوم طبیعی هستند.
- ۴) بین علوم انسانی و علوم طبیعی تفاوت زیادی قائل هستند.

۱۴. در تعامل جهان فرهنگی و جهان تکوینی، از نظر گروهی که جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود می‌کنند، کدام جهان مهم‌تر است؟ و این گروه

- ۱) جهان فرهنگی را مهم‌تر از جهان تکوینی دانسته و جهان ذهنی و فردی افراد را تابع فرهنگ می‌دانند آن‌چنان که جهان ذهنی، استقلال خود را از دست می‌دهد.
- ۲) جهان طبیعت را مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان فرهنگی دانسته و در این دیدگاه ذهن افراد و فرهنگ نیز هویتی طبیعی و مادی دارند و علوم مربوط به آن‌ها نظیر علوم طبیعی است.
- ۳) جهان فرهنگی، جهان ذهنی و جهان تکوینی را مهم و در تعامل با یکدیگر می‌دانند و از نظر این گروه بین علوم طبیعی و علوم انسانی تفاوتی وجود ندارد.
- ۴) جهان طبیعت را مهم‌تر از جهان فرهنگی و اجتماعی می‌دانند و از نظر این گروه دیدگاه جهان ذهنی و جهان تکوینی اهمیت و استقلال خود را در برابر جهان انسانی از دست می‌دهد.

۱۵. جهان مستقل از خواست و اعتبار انسانی وجود دارد و نزد متفکران مسلمان جهان طبیعت بخشی از جهان است و گروهی که تفاوتی بین علوم طبیعی و علوم انسانی و اجتماعی قائل نیستند (سراسری ۹۳ - با تغییر)

- ۱) تکوینی - تکوینی - جهان تکوینی را مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان فرهنگی می‌دانند.
- ۲) تکوینی - ذهنی و فردی - جهان فرهنگ را مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان طبیعی و تکوینی می‌دانند.
- ۳) ذهنی - تکوینی - جهان فرهنگ را مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان طبیعی و تکوینی می‌دانند.
- ۴) فرهنگی - ذهنی و فردی - هر دو جهان فرهنگی و جهان تکوینی را مهم و در تعامل با یکدیگر می‌دانند.

۱۶. از نظر متفکران گروه دوم، کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) جهان ذهنی و جهان تکوینی اهمیت و استقلال بیشتری نسبت به جهان فرهنگی دارند.
- ۲) جهان فرهنگی را مهم‌تر از جهان ذهنی و تکوینی می‌دانند.
- ۳) جهان ذهنی و فردی افراد را تابع فرهنگ می‌دانند.
- ۴) جهان تکوینی را ماده خامی برای دخل و تصرف فرهنگ‌ها می‌دانند.

۱۷. کدام گزینه، نگاه درست جهان قرآنی را در مقابل جهان فرهنگی، تکوینی و جهان ذهنی ارائه می‌دهد؟

- ۱) جهان هستی بر خوردی حکیمانه با جهان انسانی دارد و جهان تکوینی رفتاری حکیمانه با جوامع انسانی دارد.
- ۲) جهان تکوینی محدود به جهان طبیعت نیست و آگاهی نیز به حیات انسان محدود می‌شود.
- ۳) ادراک و آگاهی به حیات انسانی منحصر نمی‌شود و جهان فرهنگی در مقابل جهان تکوینی قرار می‌گیرد.
- ۴) جهان ذهنی براساس حکمت و مشیت خداوند سبحان رفتاری حکیمانه با افراد دارد.

۱۸. کدام گزینه در مورد دیدگاه دوم «جهان تکوینی و جهان ذهنی» درست است؟

- ۱) جهان ذهنی را از جهان فرهنگی مهم‌تر می‌دانند.
- ۲) ادراک و آگاهی را به حیات انسانی منحصر نمی‌کند.
- ۳) جهان فرهنگی را مهم‌تر از جهان ذهنی می‌دانند.
- ۴) جهان انسانی استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می‌دهد.

۱۹. کدام گزینه در مورد کسانی که ذهن افراد و فرهنگ جامعه را دارای هویتی مادی می‌دانند، درست است؟

- ۱) جهان فرهنگی را مقدم بر جهان ذهنی می‌دانند.
- ۲) بین علوم انسانی و علوم طبیعی تفاوت زیادی قائل هستند.
- ۳) جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود می‌کنند.
- ۴) جهان فرهنگی، جهان ذهنی و جهان تکوینی را در تعامل با یکدیگر می‌دانند.

۲۰. از نظر گروهی که جهان فرهنگی را مهم‌تر از جهان ذهنی و تکوینی می‌دانند، جهان ذهنی و فردی افراد تابع چیست و جهان تکوینی چه موقعیتی دارد؟

- ۱) تابع علوم طبیعی - جهان تکوینی محدود به جهان طبیعت است.
- ۲) تابع فرهنگ - جهان تکوینی را ماده خامی برای دخل و تصرف فرهنگ‌ها و جوامع می‌دانند.
- ۳) تابع علوم طبیعی - جهان تکوینی ماده خامی برای دخل و تصرف فرهنگ‌ها و جوامع است.
- ۴) تابع فرهنگ - جهان تکوینی اهمیت و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می‌دهند.

۲۱. قرآن کریم با نادیده نگرفتن جهان فردی اشخاص، بر چه امری تأکید می‌کند و هرگاه انسان از اخلاق الهی برخوردار باشد.....

- ۱) بر مسئولیت فرد در قبال فرهنگ و جامعه - به شناخت حقیقت خویش نایل می‌شود.
- ۲) جایگاه ویژه‌ای برای فرد قائل نمی‌شود. - جهان تکوینی درهای برکات را بر روی انسان می‌گشاید.
- ۳) بر اصالت جامعه بیش از فرد تأکید می‌کند. - جهان تکوینی ظرفیت‌های الهی و آسمانی خود را نشان می‌دهند.
- ۴) بر مسئولیت فرد در قبال فرهنگ و جامعه - جهان تکوینی درهای برکات را بر روی انسان می‌گشاید.

پاسخنامه تشریحی

سوالات امتحانی

۱. الف) درست / ب) نادرست / پ) درست

۲. الف) فردی - ذهنی / ب) جهان طبیعت - انسان / ج) جهان انسانی

۳. الف) ابعاد ذهنی، اخلاقی، روانی / ب) آگاهی و عمل مشترک انسانها /

پ) جهان ذهنی و جهان فرهنگی / ت) طبیعت - فوق طبیعت / ث) طبیعی

و مادی / ج) دیدگاه اول / چ) جهان فرهنگی / ح) برخوردی حکیمانه و

هوشمندانه / خ) وقتی افراد و فرهنگ جامعه هویت مشترک داشته باشند.

۴. الف) فرهنگ، شیوه زندگی اجتماعی انسانها را شکل می دهد

و خود نیز محصول آگاهی و عمل مشترک انسانهاست. / ب) از سه

جهان، جهان طبیعت، جهان ذهن، جهان فرهنگ / پ) متفکران

مسلمان، جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود نمی دانند.

نزد آنان جهان طبیعت بخشی از جهان تکوینی است. آنها جهان

تکوینی را به دو جهان طبیعت و فوق طبیعت تقسیم می کنند. /

ت) وقتی فردی درباره مسئله ای خاص می اندیشد در محدوده فردی

و ذهنی خود به سر می برد ولی هنگامی که اندیشه خود را به صورت

گفتار و نوشتار بیان می کند یا براساس اندیشه و تصمیم خود با دیگران

رفتار می کند به محدوده اجتماعی و فرهنگی وارد می شود. / ث) بین

دو بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی تناسب و هماهنگی وجود

دارد. هر فرهنگ، نوعی خاصی از عقاید و خصوصیات ذهنی را در

افراد پدید می آورد و به همان نوع اجازه بروز و ظهور می دهد و هر

نوع عقیده و اخلاقی نیز جویای فرهنگی متناسب با خود است. /

ج) ۱ جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود می کنند. ۲ این جهان

را مهم تر از جهان ذهنی و جهان فرهنگی می دانند. ۳ ذهن افراد و

فرهنگ نیز هویتی طبیعی و مادی دارند. ۴ علوم مربوط به ذهن و

فرهنگ نظیر علوم طبیعی است. ۵ بین علوم طبیعی و علوم انسانی

تفاوتی قائل نیستند. / چ) ۱ جهان فرهنگی را مهم تر از جهان ذهنی

و تکوینی می دانند. ۲ جهان ذهنی و فردی را تابع فرهنگ می دانند.

۳ جهان تکوینی را نیز ماده خامی برای دخل و تصرف فرهنگها

و جوامع مختلف می دانند. ۴ در این دیدگاه جهان ذهنی و تکوینی

اهمیت و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می دهد. /

ح) در قرآن، جهان تکوینی محدود به طبیعت نیست. ادراک و آگاهی

نیز به حیات انسانی منحصر نمی شود و جهان هستی برخوردی حکیمانه

و هوشمندانه با جهان انسانی دارد. در این نگاه جهان تکوینی براساس

حکمت و مشیت خداوند سبحان، رفتاری حکیمانه با افراد و جوامع

انسانی دارد. / خ) قرآن کریم علاوه بر آن که برای جامعه و فرهنگ

جایگاه ویژه ای قائل است، از زندگی و مرگ امتها سخن می گوید،

جهان فردی اشخاص را نیز نادیده نمی گیرد و بر مسئولیت فرد در قبال

فرهنگ و جامعه تأکید می کند. / د) هرگاه انسان اخلاقی الهی داشته

باشد و جامعه نیز از فرهنگی توحیدی برخوردار باشد جهان تکوینی

درهای برکات خود را به روی انسان می گشاید. / ذ) هرگاه افراد و

فرهنگ جامعه هویتی مشترکانه داشته باشند، زمین و آسمان از تعامل

سازنده با آنها باز می مانند و ظرفیت های الهی و آسمانی خود را از

آنها پنهان می کنند.

پرسش های چهار گزینه ای

۱. جهان تکوینی پیش از انسان و مستقل از خواست و

اعتبار انسان به وجود می آید نه جهان انسانی.

۲. ابعاد ذهنی و اخلاقی مربوط به و بخش فردی است

اما هنجارها و ارزشها مربوط به بخش انسانی و جهان اجتماعی می شود.

۳. وقتی اندیشه به شکل گفتار بیان می شود، وارد

جهان اجتماعی می شویم و وقتی فردی در مسئله ای خاص می اندیشد

وارد جهان ذهنی یا فردی می شود.

۴. وقتی انسانی براساس اندیشه و تصمیم خود با

دیگران رفتار می کند، وارد محدوده اجتماعی و فرهنگی می شود و وقتی

فردی درباره مسئله ای خاص می اندیشد وارد محدوده جهان فردی و

ذهنی می شود.

۵. بین دو بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی، تناسب

و هماهنگی وجود دارد. هر فرهنگ، نوعی خاص از عقاید و خصوصیات

ذهنی را در افراد پدید می آورد و به همان نوع اجازه بروز و ظهور

می دهد و هر نوع عقیده و اخلاقی نیز جویای فرهنگی متناسب با

خود است.

۶. متفکران مسلمان جهان تکوینی را به جهان

طبیعت محدود نمی دانند. نزد آنان جهان طبیعت بخشی از جهان

تکوینی است. در مقابل، از نظر دیدگاه اول جهان تکوینی به جهان طبیعت

محدود می شود و جهان طبیعت از جهان ذهنی و جهان فرهنگی مهم تر

است. دیدگاه دوم نیز جهان فرهنگی را مهم تر از جهان ذهنی و تکوینی

می داند؛ این گروه جهان ذهنی و فردی افراد را تابع فرهنگ می دانند.

۷. تصویر نشان دهنده این است که هر نوع عقیده و

اخلاقی جویای فرهنگ مناسب با خود است. یعنی بین جهان ذهنی و

فرهنگی ارتباط مستقیم وجود دارد.

۸. از بخش فردی جهان انسانی با عنوان جهان ذهنی

سخن گفته می شود که ابعاد اخلاقی و روانی انسانها را در بر می گیرد.

۹. گزینه ۲ مربوط به جهان تکوینی است. اما سه

گزینه دیگر در مورد جهان انسانی درست است.

۱۰. هرچه با اندیشه و عمل انسان پدید آید، مربوط به

جهان انسانی است. جهان فرهنگی در برابر جهان ذهنی قرار داده می شود

و هر فرد براساس عقاید و ارزشهای خود مسائل روزمره زندگی خود را

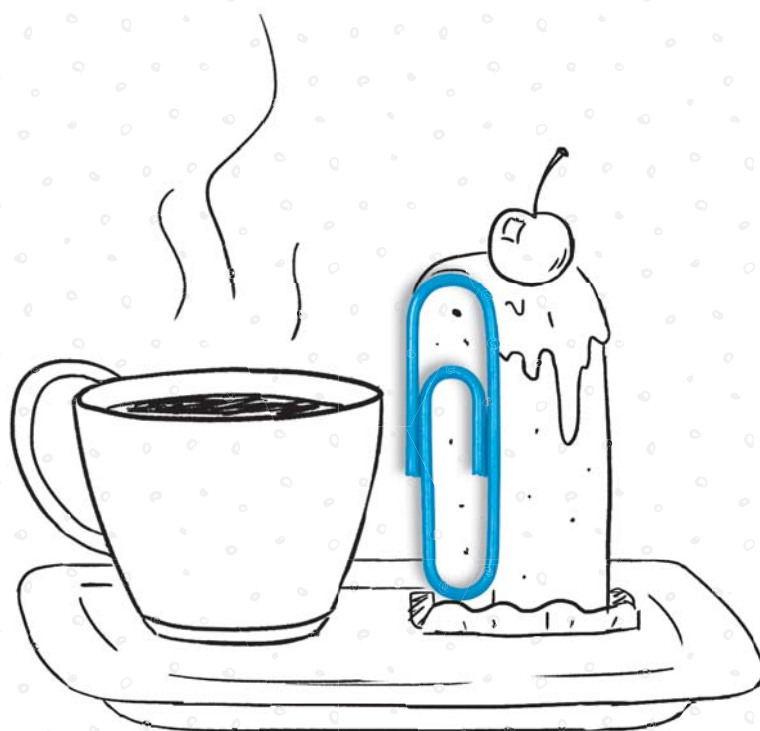
تفسیر می کند. جهان تکوینی پیش از انسان نیز وجود داشته است.

پیوست‌ها

◀ جمع‌بندی

◀ آزمون‌های جامع

◀ واژه‌نامه





جمع‌بندی

درس ۱ در یک نگاه

جهان انسانی

جهان ذهنی و فردی

- به زندگی شخصی و فردی انسان‌ها بازمی‌گردد.
- ابعاد ذهنی، اخلاقی و روانی انسان‌ها به این بخش تعلق دارد.
- وقتی فردی درباره مسئله خاصی می‌اندیشد در محدوده جهان ذهنی است.

جهان فرهنگی یا اجتماعی

- زندگی اجتماعی انسان را دربرمی‌گیرد.
- محصول آگاهی و عمل مشترک انسان‌هاست.
- زمانی که فردی اندیشه خود را به صورت گفتار و نوشتار بیان می‌کند یا براساس اندیشه خود با دیگران رفتار می‌کند.

جهان تکوینی

- فارغ از خواست و اراده انسان وجود دارد و جاری است.

دیدگاه اول

- جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود می‌کنند و جهان طبیعت را مهم‌تر از جهان ذهنی و فرهنگی می‌دانند.
- ذهن افراد و فرهنگ، هویت طبیعی و مادی دارند.
- بین علوم طبیعی و علوم انسانی تفاوتی قائل نیستند.

دیدگاه دوم

- جهان فرهنگی را مهم‌تر از جهان ذهنی و تکوینی می‌دانند.
- جهان ذهنی و فردی افراد را تابع فرهنگ می‌دانند.
- جهان تکوینی را ماده خامی برای دخل و تصرف فرهنگ‌ها و جوامع مختلف می‌دانند.
- جهان ذهنی و تکوینی، اهمیت و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می‌دهند.

دیدگاه سوم (دیدگاه قرآنی)

- جهان فرهنگی، جهان ذهنی و جهان تکوینی را مهم و با تعامل با یکدیگر می‌دانند.
- جهان تکوینی براساس حکمت و مشیت خداوند سبحان، رفتاری حکیمانه با افراد و جوامع انسانی دارد.
- جهان فردی را نادیده نمی‌گیرد.
- بر مسئولیت فرد در قبال فرهنگ و جامعه تأکید می‌کند.

از نظر قرآن

هرگاه انسان اخلاق الهی داشته باشد و جامعه نیز از فرهنگی توحیدی برخوردار باشد، جهان تکوینی درهای برکات خود را به روی انسان‌ها می‌گشاید.

هرگاه افراد و فرهنگ جامعه، هویتی مشرکانه داشته باشند زمین و آسمان از تعامل سازنده با آن‌ها بازمی‌مانند و ظرفیت الهی و آسمانی خود را از آن‌ها پنهان می‌کنند.

درس ۲ در یک نگاه

• فرهنگ‌هایی که از مرزهای جغرافیایی خود عبور کرده‌اند بر دو نوع هستند:

گونه نخست

- تقسیم جهان به مناطق مرکز و پیرامون
- فرهنگ صهیونیسم، آرمان‌ها و ارزش‌های خود را متوجه نژاد خاصی می‌داند.
- سرمایه‌داری که کانون ثروت و قدرت را مورد توجه قرار می‌دهد و کشورهای دیگر را در پیرامون و حاشیه آن به خدمت می‌گیرد.

گونه دوم

- عقاید و ارزش‌های آن سعادت همه انسان‌ها را دنبال می‌کند.
- از عقاید و آرمان‌های مشترک سخن می‌گوید.
- سرمایه‌داری که کانون ثروت و قدرت را مورد توجه قرار می‌دهد و کشورهای دیگر را در پیرامون و حاشیه آن به خدمت می‌گیرد.

ویژگی‌های فرهنگ مطلوب جهان

- ۱ فرهنگ حقیقت ← معیاری برای سنجش و عقاید
- ۲ توانایی معنویت ← در پاسخ‌گویی به پرسش‌های بنیادین در مورد مرگ و زندگی
- ۳ عدالت و قسط ← در جلوگیری از بهره‌کشی ظالمانه و پایمال شدن حقوق انسان‌ها
- ۴ حریت و آزادی ← رهایی از قید و بندهایی که مانع رسیدن انسان به کمال و حقوق انسانی می‌شود.
- ۵ تعهد و مسئولیت ← جلوگیری از سلطه و نفوذ، ایجاد زمینه گسترش و تحقق عقاید و ارزش‌های جهان‌شمول
- ۶ عقلانیت:

- ۱ پاسخ به پرسش‌های بنیادین
- ۲ پاسخگویی به پرسش‌ها و نیازهای متفاوت پدیدار شده با شرایط مختلف تاریخی، براساس عقاید و ارزش‌های بنیادین

درس ۳ در یک نگاه

شاهنشاهی و امپراتوری از طریق کشور گشایی و با قدرت نظامی و حضور مستقیم سربازان پیروز شکل می‌گیرد اما غلبه نظامی همیشه بسط فرهنگی به دنبال ندارد.

امپریالیسم به هر نوع سلطه گفته می‌شود و انواعی دارد:

- ۱ امپریالیسم سیاسی: از طریق اشغال نظامی جوامع ظریف شکل می‌گیرد.
- ۲ امپریالیسم اقتصادی: قدرت اقتصادی یک کشور، بازارها و مواد خام کشور دیگر را تصرف می‌کند.
- ۳ امپریالیسم فرهنگی: مقاومت فرهنگی قوم مغلوب را فرومی‌ریزد.

انواع سلطه و استعمار

استعمار قدیم

- ۱ اشغال توسط نیروی نظامی و سیاسی
 - ۲ استعمارگران حضور آشکار دارند.
 - ۳ از نوع جهان گشایی و امپراتوری،
 - ۴ پیشرفت در زمینه دریاوری، فنون نظامی و اقتصاد صنعتی
- مثال:** هجوم اروپا به آمریکا، کوبا، نیکاراگوئه ...

استعمار نو

- ۱ استفاده از مجریان بومی و داخلی کشورهای مستعمره برای نیل به اهداف استعماری
- ۲ استفاده از کودتای نظامی
- ۳ کشور استعمارگر با استفاده از نهادها و سازمان‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی و استفاده از دولت دست‌نشانده، کنترل بازار و سیاست کشورهای دیگر را در اختیار می‌گیرد.
- ۴ استعمارگران پنهان و مجریان آشکارند.

استعمار فرانو

- ۱ هدف، هویت فرهنگی دیگر کشورهاست.
- ۲ مردم مغلوب، هویت خود را در حاشیه جهان غرب جست‌وجو می‌کنند.
- ۳ گسترش فرهنگ غرب در پوشش جهانی شدن پیگیری می‌شود.
- ۴ استعمارگران و مجریان هر دو پنهان هستند.

درس ۴ در یک نگاه

مراحل گسترش فرهنگ اسلامی:

عصر نبوی:

- ۱ رسول خدا پس از سیزده سال مقاومت در برابر فشارهای نظام قبیله‌ای عرب، حکومت اسلامی را تشکیل داد.
- ۲ طی ده سال حکومت، موانع سیاسی را از پیش روی برداشت.
- ۳ در سال نهم هجرت، گروه‌های مختلف برای پذیرش اسلام به مدینه آمدند.

دوران خلافت:

- این دوران از زمان رحلت رسول خدا (ص) آغاز شد و در طول خلافت اموی، عباسی و عثمانی ادامه یافت.
- ارزش‌ها و هنجارهای جاهلی در دوران خلافت نمایان شد و اقتدار جامعه اسلامی را در چارچوب مناسبات قبیله‌ای سازمان بخشید.
- فرهنگ اسلامی به دلیل قدرت و غنای خود، گروه‌های مهاجم بیگانه را درون خود هضم می‌کرد و آنان را ناگزیر می‌ساخت در ظاهر از مفاهیم دینی استفاده کنند.

دوره استعمار

- قدرت سیاسی جوامع اسلامی که بیش‌تر در مناسبات قومی و قبیله‌ای ریشه داشت در دوران استعمار از طریق سازش با دولت‌های غربی با قدرت استعمارگران پیوند خورد و استبداد ایلی و قومی به استبداد استعماری تبدیل شد.
- در استبداد ایلی و قومی تلاش می‌شد ظواهر اسلامی حفظ شود اما استبداد استعماری در جهت گسترش نیازهای اقتصادی و فرهنگی جهان غرب چاره‌ای جز حذف مظاهر اسلامی نداشت.

عصر بیداری اسلامی

- متفکران جهان اسلام خطرات سلطه فرهنگ غرب و فراموشی هویت اسلامی را گوشزد کردند.
- نخبگان کشورهای اسلامی تا قبل از انقلاب اسلامی از مکاتب ناسیونالیسم یا مارکسیسم استفاده می‌کردند که هم وحدت اسلامی را مخدوش می‌کردند و هم مورد حمایت مردم قرار نمی‌گرفتند.
- امت اسلامی با الهام از انقلاب اسلامی و بازگشت به سوی هویت الهی خود، مرحله جدیدی را در گسترش فرهنگ جهانی اسلام رقم می‌زدند.

درس ۵ در یک نگاه

سکولاریسم

- سکولاریسم آشکار: انکار صریح ابعاد غیرمادی جهان هستی
- سکولاریسم پنهان: بخشی از باورهای معنوی و دینی را در خدمت نظام دنیوی و این جهانی قرار می‌دهد.

پروتستانتیسم:

رویکرد گزینشی جهان غرب به ابعاد معنوی و دینی جهان، سبب پیدایش نهضت‌های جدید دینی شده است که از آن با عنوان پروتستانتیسم یاد می‌شود.

اومانیسم:

اصالت انسان دنیوی و این جهان

اومانیسم در هنر

- هنر قرون وسطی تأکید بر بُعد آسمانی انسان، هنر مدرن تأکید بر بُعد جسمانی و زیبایی‌های بدن



• اومانیسم حقوق

حقوق انسان در فرهنگ دینی مبتنی بر فطرت الهی انسان است و صورت معنوی دارد. اما حقوق بشر بر مبنای اندیشهٔ اومانیستی است که صورتی دنیوی و این جهانی دارد و صرفاً براساس خواسته‌ها، عادت‌ها و تمایلات طبیعی آدمیان شکل می‌گیرد.

• روشنگری

- راه شناخت حقیقت و موانع شناخت آن را معرفی می‌کند.
- روشنگری عام: انبیا الهی از دیرباز برای روشنگری و برداشتن موانع راه حقیقت آمده‌اند. در فرهنگ دینی اسلام، عقل، وحی و تجربه، روش‌های شناخت حقیقت هستند.
- روشنگری خاص: فرهنگ معرفت‌شناختی غرب است که با سکولاریسم و اومانیسم همراه شده است.
- روشنگری قرون ۱۷ و ۱۸ - عقل‌گرایانه - بدون پذیرش موهبت وحی و پیدایش دئیسم
- روشنگری قرون ۱۹ و ۲۰ - حس‌گرایانه - پیدایش علوم تجربی سکولار - علم دانش ابزاری
- روشنگری پایان قرن ۲۰ - افول تجربه‌گرایی - بحران معرفت‌شناختی

درس ۶ در یک نگاه

• چهار دورهٔ تاریخ فرهنگ غرب

- یونان و روم باستان
- قرون وسطی
- رنسانس
- روشنگری

• یونان و روم باستان:

فرهنگ اساطیری بود، خداوندگاران متکثر پرستیده می‌شدند.

• قرون وسطی:

آباء کلیسا به رغم آن‌که از شعارها و مفاهیم معنوی و توحیدی استفاده می‌کردند، با رویکرد دنیوی خود، نوعی دنیاگرایی و سکولاریسم عملی را دنبال می‌کردند.

• رنسانس:

- جنگ‌های صلیبی در مواجهه با مسلمانان و فتح قسطنطنیه، زمینهٔ فروریختن کلیسا را فراهم کرد.
- رقیبان دنیاطلب دخالت دین را در امور دنیوی انکار کردند.
- رنسانس در سطح هنر، اقتصاد و سیاست، در قالب حرکت‌های اعتراض‌آمیز آشکار شد.

• روشنگری

- ۱ تسخیر عمیق‌ترین لایه‌های فرهنگ غرب توسط سکولاریسم
- ۲ ترویج دنیاگرایی در سطح هنجارها و زندگی مردم

• روشنگری در صنعت:

ابزار تسلط انسان بر طبیعت

• روشنگری در اقتصاد:

گسترش تجارت و رشد صنعت و پیدایش سرمایه‌داران

• روشنگری در حقوق بشر:

جایگزینی حقوق طبیعی بشر با نظر به خواسته‌ها و نیازهای صرفاً طبیعی

• روشنگری در سیاست:

لیبرالیسم اندیشهٔ سیاسی جدیدی به معنای مباح دانستن همهٔ امور در قیاس با خواسته‌های انسانی بوده

• انقلاب فرانسه:

ریشه در حرکت‌های فرهنگی دوران رنسانس، اندیشه‌های فلسفی روشنگری و تغییرات اجتماعی مربوط به انقلاب صنعتی داشت

درس ۷ در یک نگاه

• جامعهٔ جهانی در گذشته:

کشورهایی که مورد هجوم نظامی قرار می‌گرفتند در صورتی که از ظرفیت فرهنگی برتری برخوردار بودند، گروه مهاجم را درون خود هضم و جذب می‌کردند.

• فرهنگ غرب:

- سدهٔ ۲۰-۱۷: روابط میان جوامع (جامعهٔ جهانی) شکل جدید به خود گرفت.
- سدهٔ ۲۰-۱۹: جوامع غربی به صورت مرکزی و دیگر جوامع به صورت پیرامونی در آمدند.

• نظام نوین جهانی

- پیدایش قدرت‌های سکولار منجر به زوال تدریجی کلیسا و ایجاد حاکمیت فئودال‌ها شد. در نهایت با انقلاب فرانسه دولت‌هایی شکل گرفتند که جدایی خود را از دین اعلام کردند.
- پیوند قدرت با تجارت، سرمایه و صنعت، رشد برده‌داری، انتقال ثروت به اروپا، جایگاه برتر تجار نسبت به زمین‌داران، رشد صنعت ← انباشت ثروت و موقعیت سرمایه‌داران
- به خدمت گرفتن مبلغان مذهبی ← درهم شکستن مقاومت فرهنگی اقوامی که تحت سلطه قرار نمی‌گرفتند. هدف از تبلیغ مسیحیت اختلال در فرهنگ عمومی بود.
- استعمار و ادغام جوامع در نظام نوین جهانی: جوامعی که مقاومت بیش‌تری نشان دادند، از طریق نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در نظام نوین جهانی ادغام شدند. مانند چین، عثمانی و ایران جوامع استعمارزده به رغم مقاومت‌هایی که طی قرن ۲۰ انجام دادند با استعمار نو و فرانو مواجه شدند.

درس ۸ در یک نگاه

تحولات اقتصادی - سیاسی:

- کشورهای تحت نفوذ و استعمارزده به سوی اقتصاد تک‌محصولی سوق داده می‌شوند که قدرت چانه‌زنی در اقتصاد جهانی را از آنان می‌گیرد.
- مبادلات تجاری در سطح جهانی به گونه‌ای نامتعادل انجام می‌شود.
- وابستگی کشورهای استعمارزده، امکان عبور از مرحله استعمار به استعمار نو را برای کشورهای استعمارگر پدید می‌آورد.
- افول دولت - ملت‌ها، افول قدرت کلیسا، تشکیل دولت - ملت‌هایی با هویتی سکولار و ناسیونالیستی.

عواملی که سبب پیدایش دولت - ملت‌ها در تاریخ معاصر بشری شدند، در سده اخیر تغییر یافته‌اند و به دنبال آن نقش کشورها تغییر کرده است که از آن به جهانی شدن یاد می‌کنند. با شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی و بازارهای مشترک منطقه‌ای سرمایه‌گذاری به منطقه‌ای، خاص محدود نمی‌شود. جهانی شدن هیچ اعتنایی به مرزهای ملی ندارد، ولی مخالفان معتقدند که در حال حاضر ابعاد اقتصادی و سیاسی جهانی شدن به گونه‌ای نیست که انسجام مطلوب جهانی را به دنبال آورد. برخورد استعماری غرب با دیگر جوامع، نوعی خودباختگی فرهنگی را ایجاد می‌کند که جامعه حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی از دست می‌دهد. صنعت ارتباطات به جهان غرب باری می‌رساند.

امپراتوری رسانه:

امپراتوری فرهنگی باعث شده که کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته در برابر آن آسیب‌پذیر شوند. تجمع قدرت رسانه در دست صاحبان ثروت و کانون‌های صهیونیستی، هویت فرهنگی جوامع غیرغربی را متزلزل می‌گرداند و ارزش‌های دموکراتیک جهان غرب را نیز به سخره می‌گیرد.

فرهنگ عمومی جهان غیر غربی:

- از طریق رسانه فرهنگ عمومی جهان غیرغربی مدیریت می‌شود.
- تربیت نخبگان در جهت تثبیت مرجعیت علمی غرب انجام می‌شود.
- علوم انسانی غربی عمیق‌ترین تأثیر را در توزیع جهانی فرهنگ غرب ایفا می‌کند.

درس ۹ در یک نگاه

لیبرالیسم:

در هم‌ریختن نظام ارباب - رعیتی، رهایی کشاورزان از بردگی، اجازه مهاجرت، تبدیل کشاورزان به کارگر، استثمار صاحبان سرمایه از کارگران، تکیه بر آزادی فعالیت صاحبان سرمایه و عدم کمک به مستمندان
* لیبرالیسم با تکیه بر شعار آزادی و خصوصاً آزادی اقتصادی، راه استثمار را برای صاحبان ثروت باز کرده و عدالت را نادیده گرفته

بود. بدین ترتیب نخستین چالش که چالش فقر و غناست، در بطن کشورهای غربی شکل گرفت.

بلوک شرق و غرب:

جامعه آرمانی مارکس، از فردگرایی لیبرالیستی و اقتصاد سرمایه‌داری عبور می‌کرد، مالکیت خصوصی را از بین می‌برد و صورتی سوسیالیستی و کمونیستی پیدا می‌کرد. بعد از انقلاب فرانسه نظریه‌های لیبرالیستی در طرف راست و منتقدان طرف چپ مجلس می‌نشستند. چالش و نزاع بلوک شرق و غرب در تمام قرن بیستم تا فروپاشی بلوک شرق ادامه یافت. چالش بلوک شرق و غرب جهانی بود و آمریکا و شوروی، ابرقدرت این دو بلوک بودند.

این دو قطب با این که از نظر سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی در دو بخش متمایز قرار می‌گرفتند، به فرهنگ واحدی تعلق داشتند، یعنی هر دو درون فرهنگ غرب قرار داشتند

درس ۱۰ در یک نگاه

اگوست کنت:

اتمام جنگ بعد از انقلاب صنعتی، جنگ، امری عارضی و تحمیلی است، بروز دو جنگ جهانی، خطا بودن نظریه وی را ثابت کرد.

علت جنگ‌های جهانی:

رقابت کشورهای اروپایی بر سر مناطق استعماری

اندیشه جنگ‌های جهانی:

منشأ دینی ندارد و بیش‌تر اندیشه‌های ناسیونالیستی، لیبرالیستی و سوسیالیستی را در پی دارد.

بعد از جنگ دوم:

تقسیم جهان به بلوک شرق و غرب، پیدایش جنگ سرد تا فروپاشی شوروی، جنگ گرم در مناطق پیرامونی

هانتینگتون:

از آخرین مرحله درگیری در جهان معاصر با عنوان جنگ تمدن‌ها یاد می‌کند و منشأ آن را عامل فرهنگی می‌داند و فرهنگ اسلامی را بزرگ‌ترین تهدید می‌داند.

تقسیم‌بندی‌های جهانی:

شمال و جنوب:

کشورهای ثروتمند در نیم‌کره شمالی و کشورهای فقیر در نیم‌کره جنوبی ساکن هستند.

جهان اول، دوم و سوم:

جهان اول سرمایه‌داری، جهان دوم سوسیالیستی، جهان سوم خارج از هر دو بلوک شرق و غرب

توسعه یافته و عقب‌مانده:

از کشورهای صنعتی و ثروتمند با عنوان توسعه یافته یاد می‌شود و به کشورهای دیگر، هنگامی که با آن‌ها مقایسه می‌شوند، کشورهای عقب‌مانده، توسعه نیافته یا در حال توسعه می‌گویند.



مهرماه

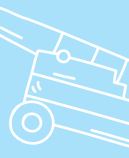


ضمیمه

۱۸۹

کتاب در یک نگاه





● مرکز و پیرامون:

به نقش مرکزی کشورهای ثروتمند و صنعتی اشاره دارد. کشورهای پیرامونی به سبب نوع عملکرد کشورهای مرکزی، در موقعیت ضعف و فقر قرار می‌گیرند.

● استعمارگر و استعمارزده:

کسانی به کار می‌برند که چالش و نزاع بین کشورهای غنی و فقیر را به ابعاد اقتصادی محدود نمی‌کنند و به ابعاد فرهنگی آن نیز توجه دارند. شکل کشورهای فقیر، خودباختگی فرهنگی و الگوپذیری مقلدانه آنهاست.

درس ۱۱ در یک نگاه

● تحولات اقتصادی - سیاسی:

کشورهای تحت نفوذ و استعمارزده به سوی اقتصاد تک‌محصولی سوق داده می‌شوند که قدرت چانه‌زنی در اقتصاد جهانی را از آنان می‌گیرد.

مبادلات تجاری در سطح جهانی به گونه‌ای نامتعادل انجام می‌شود. وابستگی کشورهای استعمارزده، امکان عبور از مرحله استعمار به استعمار نو را برای کشورهای استعمارگر پدید می‌آورد.

افول دولت، ملت‌ها، افول قدرت کلیسا - تشکیل دولت - ملت‌هایی با هویتی سکولار و ناسیونالیستی.

عواملی که سبب پیدایش دولت - ملت‌ها در تاریخ معاصر بشری شدند، در سده اخیر تغییر یافته‌اند و به دنبال آن نقش کشورها تغییر کرده است که از آن به جهانی شدن یاد می‌کنند. با شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی و بازارهای مشترک منطقه‌ای سرمایه‌گذاری به منطقه‌ای، خاص محدود نمی‌شود.

جهانی شدن هیچ اعتنایی به مرزهای ملی ندارد، ولی مخالفان معتقدند که در حال حاضر ابعاد اقتصادی و سیاسی جهانی شدن به گونه‌ای نیست که انسجام مطلوب جهانی را به دنبال آورد.

برخورد استعماری غرب با دیگر جوامع، نوعی خودباختگی فرهنگی را ایجاد می‌کند که جامعه حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی از دست می‌دهد.

صنعت ارتباطات به جهان غرب یاری می‌رساند.

● امپراتوری رسانه:

امپراتوری فرهنگی باعث شده که کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته در برابر آن آسیب‌پذیرند. تجمع قدرت رسانه در دست صاحبان ثروت و کانون‌های صهیونیستی، هویت فرهنگی جوامع غیرغرب را متزلزل می‌گرداند و ارزش‌های دموکراتیک جهان غرب را نیز به سخره می‌گیرد.

از طریق رسانه: فرهنگ عمومی جهان غیرغربی مدیریت می‌شود. تربیت نخبگان در جهت تثبیت مرجعیت علمی غرب انجام می‌شود. علوم انسانی غربی عمیق‌ترین تأثیر را در توزیع جهانی فرهنگ غرب ایفا می‌کند.

درس ۱۲ در یک نگاه

● بحران اقتصادی:

کاهش قدرت خرید، از دست رفتن بازار تولیدکنندگان، تعطیلی کارخانه‌ها، بیکاری کارگران

بحران اقتصادی و چالش فقر و غنا هر دو هویتی اقتصادی دارند.

● تفاوت:

۱ چالش فقر و غنا چالشی مستمر در سرمایه‌داری غربی است ولی بحران اقتصادی اغلب دوره‌ای و مقطعی است.

۲ آسیب‌های مربوط به فقر و غنا متوجه قشرهای فقیر و ضعیف است ولی بحران اقتصادی تمامی جامعه را دربرمی‌گیرد.

۳ فشار ناشی از بحران اقتصادی به اقشار ضعیف منتقل می‌شود و بحران اقتصادی با مسئله فقر و غنا پیوند می‌خورد.

● بحران‌های زیست‌محیطی:

۱ شهرهای صنعتی اولین مراکزی بودند که با محیطی آلوده مواجه شدند.

۲ انسان مدرن با انقلاب صنعتی، تسلط خود را بر طبیعت نوید می‌داد ولی از همین منظر با مشکلات زیادی روبه‌رو شد.

● طبیعت:

۱ نگاه توحیدی: طبیعت و هرچه در آن است آیات و نشانه‌های خداوند است.

۲ نگاه اساطیری: طبیعت ماده خام نیست بلکه از ابعاد و نیروهای ماورائی برخوردار است.

۳ انسان مدرن به دلیل نگاه سکولار، نگاه دینی و معنوی به طبیعت را کودکانه می‌پندارد و تصرف آن را با روش‌های تجربی انجام می‌دهد و برای آسایش بیشتر، زبان‌های جبران‌ناپذیری برای بشر و طبیعت به بار آورده است.

۴ جنبش‌های اجتماعی شکل گرفته، از شتاب بحران نکاسته است و این جنبش‌ها انتقادات خود را متوجه ریشه‌های معرفتی فرهنگ مدرن کرده‌اند.

● بحران معرفتی:

۱ در فرهنگ قرون وسطی، کتاب مقدس معتبرترین راه شناخت بود و عقل و تجربه نادیده گرفته می‌شد.

۲ در دوران رنسانس این روش به بحران معرفتی انجامید.

۳ جهان غرب به سوی روشنگری رفت که جایگاه وحی و شهود را نادیده می‌انگاشت و به عقل بسنده می‌کرد.

۴ شناخت عقل بیش از دو قرن دوام نیابرد و شناخت حسی و تجربی جای آن را گرفت.

۵ بحران معرفتی زمانی آغاز شد که محدودیت‌های علمی، دانش تجربی و وابستگی آن به معرفت‌های غیرتجربی و غیرحسی آشکار شد.

● افول روشنگری و جریان‌های پُست‌مدرن:

پس از این که مشخص شد علم تجربی به معرفت‌های غیرتجربی